

۱۵۵۵۰۲۱

نام
جزو



«ناشر رُمان‌های برگزیده»

تقدیم می‌کند به :

همهٔ آنانی که

درانتخاب رُمان به ما اعتماد کرده‌اند.

ژورنالیست

www.ketab.ir
مریم دلیر صابر جلالی



انتشارات شادان

تابستان ۱۴۰۳

ژورنالیست

نویسنده: مریم دلیر صابر جلالی

ویراستار: مژگان معصومی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۳۹-۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۷۹۶۷۱

نویشتنشر: چهارم

زمان نشر: تابستان ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰ جلد

قیمت: ۵۲۰,۰۰۰ تومان

بیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر (نماینده نویسنده) امکانپذیر می‌باشد.

انتشارات شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۴۴۸۰۱۸۸۰-۴۴۸۰۱۸۸۱-۸۸۲۴۱۰۲۰

www.shadan.ir

info@shadan.ir



انتشارات شادان
SHADAN.PUB

در اینستاگرام نیز همراهان باشید:

عنوان: ژورنالیست پدیدآور: مریم دلیر صابر جلالی

تهران: شادان، ۱۳۹۵، ۶۱۲ صفحه، (ارمان ۱۲۱۰)

شابک: ISBN: 978-600-7368-39-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۰۴۴ رده‌بندی دیویی: ۸۳۰/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۷۹۶۷۱

اخلاق عاشقانه در جدایی

دنیای مدرن عوارضِ مدرن خود را دارد، چه ما دوست داشته باشیم و چه نه! مدتی است از باب شدن مراسمی بنام جشن طلاق می‌شنویم و می‌خوانیم. دو نفر که به هر علتی نتوانسته‌اند با هم ادامهٔ راه دهند در حضور دوستان و فامیل مراسم و جشنی برگزار می‌کنند و به این طریق از هم جدا می‌شوند - و این موضوع را به اطلاع همگان می‌رسانند، چیزی شبیه به جشنی که برای ازدواج گرفته‌اند!

به درست و غلط بودن این مراسم کاری ندارم اما یک نکتهٔ پنهان در پسِ این کار هست که فارغ از جشن گرفتن و تظاهر به شادی باید مورد توجه قرار داد.

در واقع چرا ما عشق را تنها در محبوبهٔ ما هم رسیدن تعریف می‌کنیم؟ آیا عاشقی یک خصلت است یا یک رفتار؟ اگر عاشق شدن (یا هنر عاشقی) دارای آداب و رسومی است پس چرا همین آدم عاشق اگر به هر دلیلی نتوانست با معشوق خود سر کند، می‌خواهد زمین و زمان را به هم بریزد؟

من تصور می‌کنم اگر معتقد باشیم که عشق ورزشی در هر جامعه‌ای رسم خود را دارد، پس هر کس در عاشق شدن دارای رفتاری اخلاقی متناسب با محیط زندگی خود است. در شروع یک عشق خود را مبادی آداب و دارای ظرافت نشان می‌دهیم و مراقب هستیم کاری نکنیم که طرف مقابل برداشتی منفی از ما داشته باشد، حتی به برخی از ویژگی‌ها تظاهر می‌کنیم. حال، من



آداب‌دان که هزار کلام زیبا برای معشوق سر می‌دهم چگونه است که هنگام جدایی به یکباره تغییر شخصیت می‌دهم و بی‌ملاحظه می‌شوم!

اگر سرانجام رابطه‌ای از هم گسستن بود آیا حق داریم با رفتاری سخت، بی‌ادبانه و تند آن روی دیگر خود را نشان دهیم؟ یا حتی تظاهر به بداخلاقی و خشونت کنیم!

آن جشن جدایی و طلاق اگر برای برخی از ما عجیب و غیرقابل درک به نظر می‌رسد اما لااقل این مفهوم را دارد که دو نفر مثل همان روزهای اول که تصور می‌کردند عاشق یکدیگر هستند، حالا هم با رعایت اصول انسانی و تظاهر به آداب دانی - در جدایی - تصمیم به ترک رابطه گرفته‌اند. کار آنها چه ناپسند و چه پسندیده (از دیدگاه‌های مختلف) اما معنایی دارد که فهمیده‌اند رابطه‌شان اگر تمام شده ولی می‌خواهند شخصیت‌های خود را حفظ کنند و جدایی، دلیلی نمی‌شود برای نشان دادن چهره‌ای دیگر از خود: چهره‌ای زمخت، خشن و حتی خصمانه!

به هر حال حفظ آداب و رفتار انسانی در هنگام جدایی نشان دهنده بلوغ فکری آدم‌هاست، چه جشنی برای آن گرفته شود و چه بی‌سر و صدا پایان یابد. مهم رفتاری است که اشخاص در آن مقطع از خود نشان می‌دهند.

قصه امروز ما اگر مستقیم با مطلب بالا مرتبط نباشد اما در مورد رسم عاشقی در با هم بودن یا نبودن نیم‌نگاهی به آن دارد. نویسنده با چیدن افراد در موقعیت‌ها، به عکس‌العمل‌های آنان پرداخته است که احتمالاً برخی از ما تجربه‌اش کرده‌ایم. همراه او شوید و نگاهش را بیازمائید.

بهمن رحیمی

مرداد ماه ۱۳۹۶ - تهران

سینا